نگذارند بر خلاف نماز
گر بابهام با مسبحه کرد
مسح آن را کفایه میگوید
ذکر کردست آن غریب نواز
با اصابع نهاده بهره کف
یا انگشت هم کشد جایز
قدر را اندکی کشد اما
از هدایه است ختم دان باطن
نه جوازست عقب پا باز
شرح سازو وقایه گیرد الکه
انچنین و خشیش نیست اگر
حاصل مسح شد باین یقین
چونکه صاحب خزانه در این
تا که بر آب موزه اش شد تر
هر جلاجل مقیم باشد قوم
بو المکارم نوشته است اینجا
نزد بعضی ز وقت مسح اینجا
شرح حفظ منتقی بنموده است
گر کشد موزه رکن از پا ها
میشود واجب دیگر باطل
تا که کرد جمیع پا مغسول

یک انگشت مسح یا باد و
هم میان دو وجه دار آورد
بیک اصبع کشید مسح اگر
بهمین نوع بر کشید جواز
هر دو وجه است نوشت نیکو است
اینهمه در خلاصه فایض
لیک عبد العلی نوشته است این
مسح بر پشت موزه بر کردن
گر کسی مسح را کند بنیان
یعنی صدر شریعه افقه
تر شود داشت موزه با هم
گفت قول اصح باشد این
نیت مسح شرط نیست کرد
مسح بود نکرد نیت اگر
پیشتر رو ز دوم با فراست
این بود نزد دانه علما

در بیان ناقضات مسح موزه

گفت صدر الشریعه هم وکر آن
باشکند نیز مسح بر افواه
انچنین مسح میشود باطل
مسح باطل شود با بهر مبطول

قاضیخان گفت نیست جایز
شرح سازو وقایه میگوید
با زهر مرتبه که باز و تر
کف خود کرد نه کشید بر خف
نیکتر این کشد بجمله دست
قدر دو دار و میان اصبعها
مسح باطن اصبعهای پس
مسح بر پشتش نبوده جواز
ظاهر موزه تر کند باران
مسح شد حاصل انچنین در
این تری گر جهت باشد هم
شود بخلاف این گفتن
میکند احتیاط اینجا مرد
مدت مسح یک شب یک روز
چون زمین حد شد بهاست
نزد بعضی ز وقت کرد حساب
ناقض مسح ناقضات دگر
انچه اندر کتاب بهاست بیان
شد یکی پای وجه باشد ستر
یک موزه آب شد داخل
انچنین نیز نزد بو حنیفه

اکر

اگر پا اگر بگرد و تر
یک روایت ز بعض از علما
از بزرگانکه معدن نور است
نیز دانای صحیح خود رشته است
خوانده که مسح موزه کشید
نیت مسح بود باید او
نزد کل در صلوه مسعود است
پاشنه یا ز پاشنه اکثر
مسح باطل شود بقول الی
وز محمد اگر بماند بقا
مسح موزه نمیشود باطل
موضع مسح را ز صدر قدم
انچه در کافی کرده است بیان
گر جمیع قدم شود بیرون
در میان ایمه دارد اف
گر بروی گشت بیشتر ز قدم
در صحیحه خود و علی الیقین
کاندر اینجا خلاف ساخته اند
نیت کسی بود بشرع حنف
ناقض مسح نیست بالاجماع
نیز باشد گذشتن مدت

زین سخن در صلوه میبود
مسح باطل بغسل بعضی پا
شیخ عاقل ز شستن کی پا
موزه پوشیده هم ساز بدست
گر بفوق جیره خف پوشید
لیک در اینست جمع شد نیکو
بود از این در فتاوی کاکی
گفت زاهل زجاج خویش اگر
جهت اهل قول یوسف
یعنی از جای مسح اوست پا
وز محمد جای ذکر شده است
می برآید عقب در اید هم
شارح نیک عقل شمس الدین
یعنی از جای مسح زنخ فرو
در کتاب هدایه مشهور
پس صحیح آنکه ناقض است آدم
یعنی اندر خروج نصف قدم
بزرگانیکه سر باخته اند
لیک از اهل بکشت از او سعت
یعنی بقصد در همین نوع
گفت صدر الشریعه و فی

از زیادات نقل فرمود
در کتاب خلاصه مذکور است
در قدم بر است مسح که بود جا
بود آن شخص با حدث بر سید
مسح شاید بهر دو موزه کشید
شستن پا فی البغیه فرموده است
نقل شد از ایمه و افی
شد روایت ز حضرت نعمان
یعنی بر باطل است مسح خف
قدر سه اصبعاش فی الحاصل
بر همین اکثر مشایخ هست
مسح باطل نمیشود از آن
کرده شرح مختصر تعیین
مسح باطل شود بغیر خلاف
از ایمه چنین بود مذکور
نیز فرموده است شمس الدین
یا بقصد اربعه اصابع هم
اینهمه قول اینهمه اوف
یا بخیر دگر بلا شبهت
ناقض مسح موزه با شبهت
انچنین در فتاوی کافی

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)